

شجره طیبه مرجعیت شیعه / مدیر مسئول

مرجعیت شیعه که عمدتاً در شهر مقدس قم استقرار دارد، در سفر اخیر مقام معظم رهبری به قم حماسه ای از بیداری، دین مداری، زمان آگاهی و دشمن شناسی آفرید.

بدون شک استقبال یکپارچه و گرم مراجع عالیقدر جهان تشیع از حضرت آیت الله المعظمی خامنه ای - مد ظله المعالی - را که خود شاخه ای ستر از شجره طیبه مرجعیت است نباید به عنوان یک رویداد معمولی تلقی کرد و پرونده آن را بست بلکه این امر گویای نکات در خور تأمل فراوانی در باره نهاد مبارک و تاریخی مرجعیت است.

مرجعیت تشیع از آغاز دوره غیبت - که دوران یتیمی شیعه و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است - بار سنگین سرپرستی یتیمان آل محمد علیهم السلام و صیانت از ثقلین را بر دوش گرفت و با استعانت از خداوند متعال و استمداد از قطب عالم امکان صاحب عصر و زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تاکنون با شایستگی و در حد توان و مقدورات تاریخی خود از حمل این امانت بزرگ سرفراز بیرون آمده است.

تشیع از آغاز حیاتش - که عصر رسول الله صلی الله علیه و آله است - تاکنون در معرض انواع دسیسه های دشمنان برای محو و نابودی بوده است تا آنجا که همه پیشوایانش به جز دوازدهمین آنان - که از خوف همین دشمنان پرده نشین شد - در مظلومیتی آشکار و خونبار به شهادت رسیدند تا مایه تشفی خاطر ناپاک ترین فرزندان آدم باشند.

با آغاز عصر غیبت کبری، امر صیانت از مکتب و سرپرستی تشیع از جانب آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه الله الماعظم بر اساس توقیعی شریف به فقهای شیعه واگذار شد که علاوه بر فقاہت و دین شناسی واجد چهار ممیزه باشند: 1. پاسداری و حفاظت از دین و مرزهای اعتقادی 2. صیانت از نفس و تسلط بر آن 3. برحذر بودن از هوا و هوس های شیطانی 4. اطاعت از اوامر خداوند متعال

مرجعیت شیعه نه تنها مشروعیت خود را از توقیع یاد شده می گیرد بلکه بقا و استمرار حیات با نشاط و مؤثرش به دلیل واجدیت ممیزه ها و صفاتی است که توقیع مبارک بر می شمارد.

المبتنه عامل دیگری را نیز باید بر عوامل چهار گانه فوق افزود که آن مسأله زمان شناسی و مصلحت سنجی های خردمندانة فقها و علمای شیعه در شرایط گوناگون تاریخی بوده است؛ خصیصه ای که بر گرفته از سیره قولی و عملی معصومین علیهم السلام است.

فقهایی تشیع با درک شرایط زمانه خود و فهم درست از توانمندیها، ضعفها، فرصتها و تهدیدها، موقف و ایستار شایسته را در دوران خود اتخاذ کرده و به انجام وظایف دینی و سیاسی و اجتماعی خود می پرداختند و آنچه در این میان محوریت و اصالت داشت، حفظ کیان تشیع و تحویل آن به نسلی پس از نسلی دیگر در حجمی عظیم از فشارها و سختی ها بوده است.

آنچه در تاریخ تشیع تا روزگار ما و دوران تاسیس نظام جمهوری اسلامی غلبه داشته است، مظلومیت و مغلوبیت شیعه در برابر حکومتهای جور بوده است که البته در مقاطعی نظیر دوران صفویه گشایشهایی برای شیعه و مرجعیت آن حاصل می شده است و مراجع و فقهایی شیعه با هوشیاری و سنجیدگی تمام از فرصتهایی که دست آمده در جهت ترویج و تقویت مکتب بهره می بردند.

بدون شک یکی از سخت ترین دوران تشیع و مرجعیت آن را باید دوره پس از نهضت مشروطه دانست که رژیم پهلوی به عنوان نماینده و دست نشانده نظام سلطه مدرن جهانی بر ایران حاکم می شود و از همان آغاز در پی هدم و محو دین و تشیع با شیوه ها و شگردهای گوناگون است.

رژیم مدرن پهلوی در صدد خلع ید از مرجعیت و روحانیت شیعه در همه سطوح اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بر می آید تا در پی آن جامعه ای لایبیک نظیر آنچه در ترکیه رخ داد در ایران شیعی استقرار یابد و دین که جدی ترین مانع بسط نظام استکباری مدرن بود از حیات فردی و اجتماعی روزگار جدید محو شود و المحاد مدرنیته همه ارزشهای الهی و معنوی را از میدان به در نماید. در اینجا است که مرجعیت شیعه با محوریت و رهبری حضرت امام خمینی (ره) به تکلیف دینی و الهی خود عمل می کند و نظام سلطه جهانی مدرن بر آمده از رنسانس غرب را با یکی از بزرگترین ناکامیهایش مواجه می کند و اکنون پس از گذشت سی سال همچنان نظام جمهوری اسلامی که حاصل همان حرکت الهی بود، به مثابه سدی استوار در برابر فزونخواهی ها و استکبار منشی نظام سلطه جهانی ایستاده است.

مرجعیت شیعه با محوریت و زعامت ولایت فقیه، هم علت حدوث نظام اسلامی و هم عامل بقا و استمرار آن بوده است و این حقیقتی است که بیش از همه، نهاد مرجعیت به آن وقوف و تفتن دارد.

اکنون با این مقدمه باید این سوال را مطرح کنیم که دلیل استقبال گرم و پرشور مراجع عالمیقدر تشیع از رهبری معظم انقلاب چه بوده است؟ یک امر تشریفاتی؟ یک حرکت زود گذر احساساتی؟ یک اقدام از سر جبر و فشارهای سیاسی و حکومتی؟ به نمایش گذاشتن عرق و تعلقات صنفی؟ و...؟

اندک آشنایی با نهاد مرجعیت تشیع و آشنایی با مراجع عظام تقلید، نافی همه گمانه زنی ها و صور فوق بوده و ساخت مرجعیت شیعه را از این امور منزه می داند؛ همانگونه که ساخت نظام جمهوری اسلامی که خود بر آمده از نهاد مرجعیت است و رهبری آن که خود مرجعی عظیم الشأن است، از کشاندن نهاد مرجعیت به چنین سوانق و راهبردهایی سست و غیر

المهی مبرا است.

پس رمز و راز آن استقبال چه بود؟ بدون تردید باید مجدداً به سراغ آن چهارگانه موجود در توقیح شریف به ضمیمه عامل زمان آگاهی برویم که همچنان مایه قوام و بقای مرجعیت است.

مرجعیت شیعه به دلیل تسلط بر نفس و مخالفت با هوا و هوس های نفسانی، هرگز با انگیزه های دنیا خواهانه و قدرت طلبانه، حرکت ها و موافقت و مخالفت های خود را شکل نداده است. از همین رو این نهاد در برخورد با نظام جمهوری اسلامی، نه از سر هوا و هوس و دنیا خواهی به مماشات و مصانعه می پردازد و نه به معاندت و مخالفت. مرجعیت تشیع، وظیفه حفاظت از دین خداوند و اطاعت از مولای خود را در تعاملی مشفقانه و منصفانه با نظام جمهوری اسلامی و رهبری آن می بیند و با زمان شناسی عمیق خود، موقعیت ممتاز نظام جمهوری اسلامی را در جهان کنونی در می یابد.

آشنایان با تاریخ تشیع از ادواری که علما و فقها برای حفظ کیان شیعه و بلکه گاه برای تألیف و انتشار یک اثر شیعی ملزم به چه مجیز گویی هایی نسبت به حاکمان جبار و فاسد بودند بی اطلاع نیستند، اما امروز آنچه در ایران حاکم است نظامی برآمده از خود این نهاد با رهبری عضوی شایسته از همین نهاد است و چه فرصت و نعمتی از این عظیم تر و قابل تقدیرتر و سزاوارتر به سپاسگزاری به درگاه الهی؟

مرجعیت شیعه به خوبی بر این موقعیت یگانه و بی نظیر تاریخی برای تشیع وقوف دارد و برای اولین بار در تاریخ خود، با حاکمی روبروست که از جنس و سنخ خودشان است. آنان دین خواهی او را در روزگار غلبه کفر و المحاد، و صلابت و سازش ناپذیری اش را در برابر دشمن مستکبر و فزون خواه، و خاکساری اش را در برابر مؤمنان و مردم و محرومان جامعه، و شایستگی اش را در اداره امور و غلبه بر معضلات و فتنه های برآمده از طراچی های شیاطین داخلی و خارجی حس و لمس می کنند؛ پس چه جای ناسپاسی است؟

آنگاه می دانند که رابطه مرجعیت با جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون نه رابطه ای متملقانه بلکه منصفانه و مشفقانه بوده است و هر جا که ضعف و نقصان و خطایی را تشخیص داده است، به مسئولان نظام گوشزد کرده است و حتی گاه در برابر برخی از بی مهری های ناشی از غفلت برخی از مسئولان آزرده خاطر شده است اما این همه باعث نبوده است که از اصلی و فرعی کردن امور غافل شود و احیاناً بسترهایی را برای سوء استفاده شیاطین داخلی و خارجی که تشنه ذره ای بی توجهی و غفلت و بی تدبیری از نهاد مزبور هستند، فراهم نماید.

فتنه خطرناک سال 88 در عطش و تشنه کامی گوشه چشمی از توجه و عنایت نهاد مرجعیت جان داد و آرزوی به بازی گرفتن مراجع عالی قدر شیعه را در برابر نظام به گور برد.

نظام استکباری غرب و آمریکا در تحلیل و فهم مسائل انقلاب و جمهوری اسلامی با گره های کور فراوانی مواجه است که از

جمله آن همين رابطه و تعامل المهی و هشيارانه مرجعيت با رهبري است. عقلا نيت سياسي مدرن با جوهره ما کيا وليستياش و با آموزه های انسان شناسانه اش که انسان را گرک انسان می دانند، از درک اين نکته که رهبران مذهبي و دينی ايران چگونه تا اين حد با هم تفاهم و تعامل دارند عاجز است.

اما فارغ از همه اين حرف ها، اين شجره طيبه مرجعيت با محوريت نهاد المهی و ما نيت فقيه است که به وظايف دينی خود در قبال حفظ کيان تشيع چون سلف صالح خود عمل می کند و همراه با شيعيان، اين مظلومان هميشه تاريخ، در تمنای حادثه عظيم ظهور حضرت بقیة الله الماعظم حضرت حجت بن المحسن العسكري لحظه شماری می کند.

المههم ارنا المطلعة المرشيدة و المغرة الحميدة ...